



چه هستم، لکن همان معنایی را که ادعا می‌کند در همان امتحان می‌شود. همان شخصی که می‌گوید من بشر دوستم، در همان معنا امتحان می‌شود. همان شخصی که می‌گوید من طرفدار حقوق بشر هستم، در همان معنا امتحان می‌شود. اگر در آن مقامی که رسید، با آن وقتی که قبل از آن مقام بود هر دو مساوی است و نفسش یک طور است و ریاست برای او سنگینی نمی‌کند، این شیعه علی بن ابی طالب است و پیرو او و از امتحان روسفید بیرون آمده ...

همه امتحان می‌شویم  
 «[خداوند] فرموده است که:  
 «سابقین را ما امتحان کردیم تا اینکه معلوم بشود که کی مؤمن است و کی منافق.» همه گروه‌ها، همه مردمی که در این مملکت یا در رأس امور هستند، یا در بازار هستند، یا در کشاورزی هستند، در کارخانه‌ها هستند، یا گروه‌های مفسد هستند، همه بدانند که در محضر خدا هستند و در معرض امتحان.  
 در گفتار بسیار آسان است که انسان ادعا کند که من چه هستم و

**در گفتار بسیار آسان است  
که انسان ادعا کند که من  
چه هستم و چه هستم،  
لکن همان معنایی را که  
ادعا می‌کند در همان  
امتحان می‌شود**

قلمهای در روزنامه‌ها، دستهایی که این قلمها به دست‌شان است، آنهایی که در رادیو تلویزیون و در سایر جاها سخنرانی می‌کنند همه مورد امتحان خدا هستند. آن وقتی که قلم به دست می‌گیرید، بدانید که در محضر خدا قلم دست گرفته‌اید. آن وقتی که می‌خواهید تکلم کنید، بدانید که زبان شما، قلب شما، چشم شما، گوش شما در محضر خداست. عالم محضر خداست، در محضر خدا معصیت خدا نکنید. در محضر خدا با هم دعوا نکنید سر امور باطل و فانی.

برای خدا کار بکنید و برای خدا به پیش بروید. اگر ملت ما برای خدا

و برای رضای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به پیش برود، تمام مقاصدش حاصل خواهد شد. خداوند ما و شما را از این امتحان بزرگ سرفراز و روسفید بیرون بیاورد.<sup>۱</sup>

**علما و روحانیون از زئی روحانی  
خارج نشوند**

«من متواضعانه و به عنوان یک پدر پیر از همه فرزندان و عزیزان روحانی خود می‌خواهم که در زمانی که خداوند بر علما و روحانیون منت نهاده است و اداره کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیاء را به آنان محول فرموده است، از زئی روحانی خود خارج نشوند و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دون شأن روحانیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران است، پرهیز کنند و بر حذر باشند که هیچ آفت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان بالاتر از توجه به رفاه و حرکت

۱. صحیفه امام، جلد ۸، صص ۱۱۲ و ۱۱۳.

ملائکه‌ای و هیچ موجودی آنقدر مفید نیست.

اساس عالم بر تربیت انسان است، انسان عصاره همه موجودات است و فشرده تمام عالم است و انبیا آمده‌اند برای اینکه این عصاره بالقوه را بالفعل کنند و انسان یک موجودی الهی بشود که این موجود الهی تمام صفات حق تعالی در اوست و جلوه‌گاه نور مقدس حق تعالی است.<sup>۲</sup>

همه چیز باید در خدمت پرورش انسان الهی باشد

«انسان الهی است که اگر چنانچه یک چیزی را به او بدهند، می‌پرسد از کجاست؟ چه هست؟ استفاده این آیا صحیح است یا نه؟ این اتومبیل آیا از راه حلال است یا حرام؟ خیانت است یا امانت؟ این انسان است که این چیزها پیشش مطرح است، ما هم این را می‌خواهیم.

این اشتباه است که ما می‌گفتیم که یا می‌گوئیم که رژیم نباشد بس

در مسیر دنیا نیست که بحمدالله روحانیت متعهد اسلام امتحان زهد گرای خود را داده است؛ ولی چه بسا دشمنان قسم خورده اسلام و روحانیت بعد از این برای خدشه‌دار کردن چهره این مشعل داران هدایت و نور دست به کار شوند و با کم‌ترین سوژه‌ای به اعتبار آنان لطمه وارد آورند که ان‌شاءالله موفق نمی‌شوند.<sup>۱</sup>

#### اهمیت تربیت انسان

«انبیا هم که آمده‌اند از طرف خدای تبارک و تعالی، برای همین تربیت بشر و برای انسان سازی است. تمام کتب انبیا خصوصاً کتاب مقدس قرآن کریم کوشش دارند؛ به اینکه این انسان را تربیت کنند؛ برای اینکه با تربیت انسان، عالم اصلاح می‌شود. آنقدر که انسان غیر تربیت شده مضر است به جوامع، هیچ شیطانی و هیچ حیوانی و هیچ موجودی آنقدر مضر نیست و آنقدر که انسان تربیت شده مفید است برای جوامع، هیچ

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۳۰.

۲. همان، ج ۱۴، ص ۱۰۳.

**آنقدر که انسان غیر تربیت  
شده مضر است به جوامع،  
هیچ شیطانی و هیچ  
حیوانی و هیچ موجودی  
آنقدر مضر نیست**

است که انسان در کارهایش چه در تشکیل حکومتش، چه در انقلاب فرهنگی اش، چه در انقلابات دیگرش، نظرش این باشد. که یک کار الهی کرده باشد. آن پیش خدا ارزش دارد. مثل انبیا هم‌اشار بر گشت به این است که یا خودم یا خدا، یا من یا او. این «من» را اگر انسان زیر پا گذاشت و «او» شد، اصلاح می‌کند همه چیز را.<sup>۲</sup>

**مدح مداحان و ثنای ثناجویان  
موجب هلاکت انسان است**

«پسرم! چه خوب است به خود تلقین کنی و به باور خود بیآوری یک

است دیگر، استقلال باشد بس است، آزادی باشد بس است، نخیر، مسئله این نیست. ما همه اینها را فدای انسان می‌کنیم. ما انسان می‌خواهیم، همه فدای انسان. انسان وقتی درست بشود همه چیز درست می‌شود. در این چند سال کوشش کردند که انسان نباشد، ... نگذارند یک انسانی پیدا بشود. اینها می‌دیدند که یک فرد انسان اگر پیدا بشود ممکن است یک ملت را هدایت کند.»<sup>۱</sup>

**منیت را زیر پا بگذارید!**

«یک انقلاب شد به توسط مردم، یک انگیزه انقلاب بود و یک محتوای انقلاب، امیدوارم که انگیزه انقلاب در مردم الهی باشد. اما در انقلابات ممکن است که ما انقلاب بکنیم، یک حکومتی را برداریم، یک حکومت دیگر برای خودمان درست کنیم. خودمان می‌خواهیم به یک نوایی برسیم ... آن که مقصود است این

**حب دنیا، گرچه حلالش  
باشد، رأس همه  
خطایاست؛ چه خود حجاب  
بزرگ است و انسان را  
ناچار به دنیای حرام  
می‌کشد**

هیچگاه دنبال تحصیل دنیا نباش  
«پسرم! هیچ گاه دنبال تحصیل  
دنیا، اگرچه حلال او باشد، مباش که  
حب دنیا، گرچه حلالش باشد، رأس  
همه خطایاست؛ چه خود حجاب  
بزرگ است و انسان را ناچار به دنیای  
حرام می‌کشد. تو جوانی و با قدرت  
جوانی که حق داده است می‌توانی  
اولین قدم انحراف را قطع کنی و  
نگذاری به قدمهای دیگر کشیده شوی  
که هر قدمی، قدمهایی در پی دارد و  
هر گناهی - گرچه کوچک - به  
گناهان بزرگ و بزرگ‌تر انسان را  
می‌کشد به طوری که گناهان بسیار

واقعیت را که مدح مداحان و ثنای  
ثناجویان، چه بسا که انسان را به  
هلاکت برساند و از تهذیب دور و  
دورتر سازد. تأثیر سوء ثنای جمیل در  
نفس آلوده ما، مایه بدبختیها و دور  
افتادگیها از پیشگاه مقدس حق «جل  
و علا» برای ما ضعفاء النفوس خواهد  
بود و شاید عیبجوییها و شایعه‌پراکنیها  
برای علاج معایب نفسانی ما سودمند  
باشد که هست، همچون عمل جراحی  
در دناکی که موجب سلامت مریض  
می‌شود.

آنان که با ثناهای خود ما را از  
جوار حق دور می‌کنند دوستانی  
هستند که با دوستی خود به ما،  
دشمنی می‌کنند و آنان که پندارند با  
عیبجویی و فحاشی و شایعه‌سازی به  
ما دشمنی می‌کنند، دشمنانی هستند  
که با عمل خود، ما را اگر لایق باشیم  
اصلاح می‌کنند و در صورت دشمنی  
به ما، دوستی می‌کنند.<sup>۱</sup>

۱. نامه امام به حاج سید احمد خمینی، صص ۳۱

بزرگ در نظر انسان ناچیز آید؛ بلکه گاهی اشخاص به ارتکاب بعض کبائر [گناهان کبیره] به یکدیگر فخر می‌کنند و گاهی به واسطه شدت ظلمات و حجابهای دنیوی، منکر به نظر، معروف و معروف، منکر می‌گردد.

من از خداوند متعال «جل اسمه» مسئلت می‌کنم که چشم دل تو را به جمال جمیل خود روشن فرماید و حجابها را از پیش چشمت بردارد و از قیود شیطانی و انسانی نجات دهد تا همچون پدرت پس از گذشت ایام جوانی و فرا رسیدن کهولت، برگزیده خویش تأسف نخوری و دل را به حق پیوند دهی که از هیچ پشامد، وحشتناک نشوی و از دیگران دل، وارسته کنی تا از شرک خفی و اخفی خود را برهانی.<sup>۱</sup>

از علمایی که بسوی تعفنشان اهل جهنم را می‌آزارد، نباش!

«دخترم! در رفع حجب [حجابها]، کوش نه در جمع کتب، گیرم کتب عرفانی و فلسفی را از بازار به منزل و از محلی به محلی انتقال دادی یا آنکه نفس خود را انبار الفاظ و اصطلاحات کردی و در مجالس و محافل، آنچه در چپته داشتی عرضه کردی و حضار را فریفته معلومات خود کردی و با فریب شیطانی و نفس اماره خبیث‌تر از شیطان، محموله خود را سنگین‌تر کردی و ملعبه ابلیس مجلس آرا شدی و خدای نخواستہ غرور علم و عرفان به سراغت آمد که خواهد آمد. آیا با این محموله‌های بسیار، به حجب افزودی یا از حجب کاستی؟ خداوند «عزوجل» برای بیداری علما، آیه شریفه «مثل الذین حملوا التوراة...» [سوره جمعه/ آیه ۵] را آورده تا بدانند انباشتن علوم - گرچه علم شرایع و توحید باشد - از حجب نمی‌کاهد، بلکه افزایش دهد و از

حجب صفار، او را به حجب کبار می‌کشاند.

نمی‌گویم از علم و عرفان و فلسفه بگریز و با جهل عمر بگذران، که این انحراف است. می‌گویم کوشش و مجاهده کن که انگیزه، الهی و برای دوست باشد. و اگر عرضه کنی، برای خدا و تربیت بندگان او باشد نه برای ریا و خودنمایی که خدای نخواست، جزو علمای سوء شوی که بوی تعفنشان اهل جهنم را بیازارد.<sup>۱</sup>

#### عالم محضر خداست

«ایمان عبارت از این است که آن مسائلی را که شما با عقلتان ادراک کرده‌اید، آن مسائل را قلبتان هم به آن آگاه بشود، باورش بیاید. این محتاج به یک مجاهده‌ای است تا شما به قلب بفهمید، بفهمید که همه عالم محضر خداست، ما الان در محضر خدا نشسته‌ایم، اگر قلب ما این معنا

را ادراک بکند. ما الان در محضر خدا هستیم، همین مجلس محضر خداست. اگر قلب انسان بیابد این مطلب را، از معصیت کنار می‌رود. تمام معصیتها برای این است که انسان نیافته این مسائل را. برهان هم بر آن دارد، برهان عقلی هم قائم است به اینکه خدای تبارک و تعالی همه جا حاضر است. هم برهان است و هم همه انبیا گفته‌اند: «و هو معکم اینما کنتم» قرآن است، آن با شماست، هر جا هستید با شماست، ما آن را از قرآن شنیده‌ایم، به برهان هم ثابت هست لکن به قلب ما نرسیده است.<sup>۲</sup>

قرآن شنیده‌ایم، به برهان هم ثابت هست، لکن به قلب ما نرسیده است.<sup>۳</sup>

۲. صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۸۲.

۳. همان.

۱. نامه امام خمینی به همسر حاج سیداحمد

خمینی، خانم فاطمه طباطبایی، صص ۹ و ۱۰.